

ادب حضور

دفتر اول

در فضیلت و اعمال ماه رجب

اسرار ماه رجب، دستورات و مناسک آن

همراه با آداب اعتکاف

استاد محمدتقی فیاض بخش

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلَكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ: طُوبَى لِلدَّاعِينَ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ، وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسٌ مَنْ جَالَسَنِي وَمُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَنِي وَغَافِرٌ مَنْ اسْتَغْفَرَنِي، الشَّهْرُ شَهْرِي وَالْعَبْدُ عَبْدِي وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي، فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ وَمَنْ سَأَلَنِي أُعْطِيتُهُ وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي، فَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ.»

فهرست مطالب

۴	مقدمات ورود به ماه رجب: نماز ماه جمادی الثانی و نماز و غسل توبه
۵	گوشه‌ای از اسرار ماه رجب
۵	مقدمه - حرام بودن ماه رجب به معنای وجوب حفظ حرمت پروردگار است
۶	در حریم الهی؛ گناه و ثواب مضاعف بر ماه‌های دیگر حساب می‌شود
۹	ماه رجب؛ سرآغاز ورود به مراتب عالی توحید
۱۰	لزوم کم کردن کارها برای عبادت
۱۱	ماه‌های رجب و شعبان و ۲۰ روز اول ماه رمضان، مقدمه‌ی شب‌های قدر هستند
۱۲	ندای مُلک داعی در شب‌های ماه رجب
۱۵	دستورات و عبادات ماه رجب
۱۵	نماز شب؛ مرقات اهل سلوک
۱۶	ارزشمندترین کار در ماه رجب، اهتمام به نمازهای یومیه
۱۶	اهتمام به نمازهای یومیه؛ مهم‌تر از خواندن نماز شب
۱۷	روایاتی پیرامون حضور قلب در نماز
۱۹	روش عملی تحصیل حضور قلب در نماز
۲۰	مراقبه؛ اصلی‌ترین دستور عملی
۲۰	دستور عملی مراقبه
۲۲	مراقبه‌ی زبان؛ ام المراقبات
۲۳	گناه‌شناسی؛ لازمه‌ی مراقبه
۲۵	توسل و معامله با اهل بیت عصمت و طهارت برای اصلاح اعمال
۲۷	فضیلت روزه‌ی ماه رجب
۲۸	فضیلت تحصیل معرفت در ماه رجب
۲۸	فضیلت قرائت دعای ناحیه مقدسه در ماه رجب
۲۹	در باب شب لیلة الرغاب
۳۰	مختصری پیرامون اعتکاف
۳۰	مختصری درباره‌ی «ام داوود»
۳۳	شب و روز مبعث
۳۴	سایر اعمال و دستورات ماه رجب

مقدمات ورود به ماه رجب: نماز ماه جمادی الثانی و نماز و غسل توبه

مرحوم شیخ عباس قمی در مفاتیح نقل می‌کنند که هر کس نماز خاص ماه جمادی الثانی را که ۴ رکعت است بخواند، خداوند دین او و خود و همسر و فرزندان و مالش را از همه‌ی بلاها حفظ می‌کند.^۱ لذا دوستان مقید باشند که این نماز را حتماً به جای بیاورند که در ورود به ماه رجب گویی با دین پاک وارد شوند.

همچنین به همه‌ی عزیزان توصیه می‌کنم -و این توصیه‌ی مرحوم استاد بوده است- که قبل از ورود به ماه رجب غسل و نماز توبه را به جای آورند که کیفیت آن در آداب المریدین و در مفاتیح الجنان ذکر شده.^۲ این غسل و نماز را حتماً انجام دهید که پیامبر ﷺ توصیه‌ی فراوان بدان فرموده‌اند.

خلاصه این‌که به نحو شایسته به استقبال ماه رجب برویم؛ مانند کسی که حمام می‌رود، لباس آراسته می‌پوشد، عطر می‌زند و بعد به استقبال عزیزی می‌رود.

۱- رک: مفاتیح الجنان، ذیل اعمال ماه جمادی الآخر

۲- رک: همان، ذیل اعمال روز یکشنبه ماه ذی القعدة

گوشه‌ای از اسرار ماه رجب

مقدمه - حرام بودن ماه رجب به معنای وجوب حفظ حرمت پروردگار است.

ماه رجب از ماه‌های حرام سال است و در ابتدا مختصری پیرامون راز و رمز این مسئله در امور توحیدی نکاتی را عرض کنم.

مرحوم سید بن طاووس در ابتدای مراقبات ماه رجب می‌فرماید: معنای ماه حرام این است که اعراب جاهلی که به بهانه‌های واهی به جنگ و غارت یکدیگر می‌پرداختند (چنان‌که جنگ‌های یک صد ساله‌ی اوس و خزرج در مدینه معروف است) با هم قرار گذاشتند که در چهار ماه از سال جنگ و خون‌ریزی را کنار بگذارند و به زندگی شخصی و کارهای قبیله و زن و فرزند سر و سامانی دهند و خلاصه مدتی آرامش داشته باشند.

ایشان می‌فرمایند: ببینید حتی عرب جاهلی حرمت رجب را حفظ می‌کرد، پس ما هم یاد بگیریم و در این ماه با پروردگار نجنگیم! ^۱ جنگ با پروردگار یعنی چه؟ یعنی پیروی از هوای نفس: ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾؛ دوستی با شیطان، دشمنی با خدا و اعلان جنگ با پروردگار است.

﴿قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَنْ أَهَانَ لِي وَلِيًّا فَقَدْ آذَنَ لِمُحَارَبَتِي﴾^۲

بنا بر این روایت شریف، کسی که ولئی از اولیای خدا را خوار بداند، با خدا اعلام جنگ کرده. در قدم اول از معنی ظاهری لغت می‌شود برداشت کرد که وهن ولئی از اولیای خدا یعنی توهین به یکی از مؤمنین یا اولیای الهی یا ناسزاگفتن یا بالاتر با او در جنگ افتادن. اما اگر گسترده‌تر مسئله را ببینیم اصل ولایت و ایمان به فطرت توحیدی خودمان باز می‌گردد، آیا وقتی ما مرتکب گناه می‌شویم، اعلام جنگ به فطرت توحیدی خودمان نمی‌دهیم؟ چه ولئی بالاتر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؟

۱ - إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ۲، ص ۶۲۸.

۲ - الكافي (ط - الإسلامية) ج ۲ ص ۳۵۱

چه ولیی بالاتر از پیغمبر اکرم ﷺ؟ ارتکاب ما به گناه اعلام جنگ کردن با این بزرگواران است، اعلام جنگ با خداست. «من اهاننی» به این معناست. می گوید کسی که فطرت توحیدی خودش را با گناه خوار می کند، با خدای خودش اعلام جنگ کرده است.

در ادامه ی روایت نیز می فرماید: «أَنَا أَسْرَعُ شَيْءٍ إِلَى نُصْرَةِ أَوْلِيَائِي». یعنی خداوند همیشه در کمین گناه کاران است تا در موقع مناسب آنان را ادب کند.

خداوند در سوره ی فجر بعد از بیان طغیان های اقوام پر قدرتی مانند عاد و ثمود و فرعون در عبارت کوتاهی می فرماید: «فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» ناگهان تازیانه ی عذاب الهی آنان را در برگرفت و سپس به اصل کلی اشاره می نماید که: «إِنَّ رَبَّكَ لَبَالْمُرْصَادِ»^۱. «مرصاد» به کمین گاهی می گویند که شکارچی در آن مخفی می شود و ناگهان حمله می کند. ما نمی دانیم حمله ی پروردگار، یا به عبارت دیگر تازیانه ی خشم الهی کی بر سر ما می آید. لذا مرحوم سید در اقبال می فرماید که ماه حرام، ماه اعلام صلح با پروردگار است. که لااقل در این ماه با خداوند جنگ نکنیم. بعد لازمه ی این صلح رسیدگی به خود است، برای همین در این ماه باید به خودمان رسیدگی کنیم.

در حریم الهی، گناه و ثواب مضاعف بر ماه های دیگر حساب می شود.

نکته ی توحیدی دیگر درباره ی ماه های حرام آن که: در ماه های حرام دیه شخص دو برابر حساب می شود؛ یعنی کسی که جراحاتی بردیگری وارد کند، قتل نفس کند، به کسی صدمه ای وارد سازد، باید دو برابر ماه های دیگر دیه پرداخت کند. این جراحات ظاهر است، جراحات باطن هم دو برابر در نزد پروردگار عقاب دارد. به عبارت دیگر، همان طور که در ماه های حرام عبادت ارزش بیشتری دارد، حریم شکنی درگاه الهی نیز عقاب سخت تری دارد. کسی که در ماه رجب حریم الهی را حفظ نکند، مانند کسی است که در حریم حرم، حرمت خانه ی خدا را حفظ نکند و چنین فردی جرمش سنگین تر است.

خداوند درباره‌ی شکستن حرمت حرم خدا با شکار حیوانات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلٌ ذَلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهٖ»^۱.

این آیه‌ی شریفه اشاره به حکم کسانی دارد که در محدوده‌ی مسجد الحرام حرمت خانه‌ی خدا را می‌شکنند و به شکار حیوانات می‌پردازند، می‌فرماید: اگر کسی در محدوده‌ی حرم الهی حیوانی را شکار کند، باید معادل آن حیوان کفاره بدهد تا تلخی این حرم‌شکنی را بجشد؛ مثلاً اگر آهوئی را شکار کند، باید شتری قربانی کند یا اگر حیوانات کوچک‌تری شکار کند، باید متناسب با آن قربانی دهد، حتی اگر ملخی را شکار کند، باید یک گوسفند کفاره بدهد. اما اگر کسی علی‌رغم هشدار الهی برای بار دوم یا بیشتر حرم الهی را شکست و حیوانی را در حرم شکار کرد، خداوند در ادامه‌ی آیه دیگر کفاره‌ای برایش تعیین نمی‌کند و تنها می‌فرماید: «وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ». عدم ذکر کفاره در این جا به این معنا نیست که تخفیفی قائل گردیده، بلکه اشاره به شدت عذاب پروردگار است. به عبارت دیگر، اگر کفاره‌ی گناه برای تنبیه خاطی است، اگر کسی برای بار دوم و یا بیشتر گناه را تکرار کرد، گویی تأدیب او موکول به سرای دیگر می‌شود و عذاب دنیوی برایش کافی نیست. لذا اگر کسی که در حرم خدا دو مرتبه صید کند، خداوند از او انتقام می‌گیرد و دیگر لازم نیست کفاره بدهد.

به همین نسبت عقوبت الهی در ماه شعبان سخت‌تر می‌شود، چون در حرم پیغمبر اکرم ﷺ وارد شده‌ایم. خداوند درباره‌ی حرم‌شکنی رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»^۲. خب منظور از این که می‌گوید صدایتان را برای پیامبر ﷺ بلند نکنید چیست؟ یعنی به ایشان بی‌احترامی نکن. «لَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ» یعنی بی‌ادبانه با پیغمبر ﷺ

۱- مائده، ۹۵.

۲- حجرات، ۲.

صحبت نکنید، جهر به قول نداشته باشید؛ چون بی ادبی است و کسی که حریم رسول خدا ﷺ را حفظ نکند اعمالش حبط می‌گردد.

حال سؤال این جاست که حفظ حریم ظاهری پیغمبر ﷺ واجب‌تر است یا حریم باطنی ایشان؟ ماه شعبان حرم پیغمبر ﷺ است. ماه رجب حرم امیرالمؤمنین علیا است. ماه رمضان حرم پروردگار است. لذا هر کس در این حرم بی ادبی کرد، جرمش دوچندان و عقابش بیشتر است. کما این که اگر کسی در این حرم ادب به خرج دهد، مدارج تعالی را سریع‌تر طی می‌کنند. بنابراین اصل اولی در ماه رجب که اول ماه‌های حرام است، حفظ حریم این ماه می‌باشد و چنانکه جنگ با دیگران در این ماه حرام است، جنگ با خداوند و ارتکاب گناه حرمت بیشتری دارد.

نکته‌ی دیگری که از حرمت ماه رجب استفاده می‌شود آنست که اگر بنا بود عرب جاهلی در همه‌ی اوقات سال دائماً در حال جنگ و گریز باشند، به امور خود و قبیله‌شان نمی‌رسیدند، لذا با هم قرار گذاشتند که چهار ماه در سال را ماه‌های حرام اعلام کنند تا به امور شخصی خود بپردازند. به لحاظ باطنی نیز از ادعیه‌ی ماه رجب استفاده می‌شود که اگر مردم در سایر ماه‌ها گرفتار امور روزمره‌ی خود هستند و از محاسبه‌ی خود و رسیدگی به امور باطنی‌شان غافلند، در این ایام مقداری به خود برسند و امر آخرتشان را اصلاح کنند، و لذا با رؤیت هلال ماه رجب بخوانند: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ».

نکته‌ی ظریف دیگری که مرحوم سید بن طاوس در اقبال پیرامون حرمت ماه رجب ذکر می‌کنند آنست که اگر ماه رجب از ماه‌های حرام است، یعنی قرق‌گاه الهی است و بندگان در این ماه در حریم امن پادشاهی مقتدر قرار دارند که اجازه نمی‌دهد شیاطین و دشمنان بر آنان یورش ببرند. بنابراین اولاً بکشیم از این حرم امن الهی حداکثر بهره را در کسب کمال ببریم، که معلوم نیست اگر به خود واگذار شویم تا چه مقدار بتوانیم از شرور دشمنان در امان باشیم. و از سوی دیگر،

تلاش نماییم تا به گونه‌ای عمل کنیم که با خروج از این ماه از درگاه مولی و حرم الهی رانده نشویم و همچنان در تحت ولایت مولای خود باقی بمانیم.^۱

ماه رجب؛ سرآغاز ورود به مراتب عالی توحید.

از مجموعه‌ی بیانات بزرگان و نیز از دعا‌های ماه رجب و شعبان برمی‌آید که اصولاً این سه ماه (رجب، شعبان و رمضان) در سال ممتازند و فرصتی ویژه هستند که انسان‌ها خود را برای ورود به مراتب عالی توحید و مقام ولایت آماده کنند. گویی ماه رجب سرآغاز ورود به صراط مستقیم توحید است. در کلام رسول خدا ﷺ آمده که: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.»^۲ در این حدیث شریف می‌توان علم را مترادف حکمت دانست و حکمت یعنی توحید ناب: «يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا»^۳ به تعبیر دیگر، این بیان قرآن یعنی «يعطى التوحيد من يشاء». حکمت یعنی علم ریشه‌دار، و ریشه‌دارترین علوم در میان بشریت، علم توحید است. بعضی از علوم در مغز است و بعضی از علوم فقط سر زبان است و بعضی از علوم حال است، مقام نیست. اما بعضی از علوم، مقام هستند، آن هم در لایه‌ی اول؛ یعنی در اثر تکرار ملکه شده‌اند. اما بعضی علوم از ملکه شدن گذشته و جبلی انسان شده‌اند. به این علوم جبلی که ذاتی انسان شده‌اند، حکمت می‌گویند. لذا حکیم به ریشه‌دارترین امور در وجود انسان مزین شده است، و این چیزی نیست جز فطرت توحیدی انسان که جوهری وجودی اوست. پس به هر علمی حکمت نمی‌گویند. لذا می‌فرماید: یا علی، من مدینه‌ی علم و یا به تعبیری «مدینه الحکمه» هستیم.

اما هرکسی اجازه ندارد به این مدینه وارد شود. «وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» این چه نصیحتی است که خدا در قرآن می‌فرماید که هرگاه به خانه وارد می‌شوید، از درب آن وارد شوید؟ در این مقام از دیوار وارد شدن اصلاً معنا ندارد، چرا که اصلاً دیواری برای این خانه وجود ندارد. این خانه یک

۱ - إقبال الأعمال (ط - القديمة)، ج ۲، ص: ۶۸۲

۲ - بقره، ۲۶۹.

حصار بسته است و به جز از درب آن راهی برای ورود نیست. لذا امر شده که از درب وارد شوید. این در، درب ولایت است.

دارد که ماه رجب ماه امیرالمومنین علیه السلام است. لذا هر چند در میان اهل الله ماه شعبان ماه رسول اکرم صلی الله علیه و آله است، ولی گویی رجب درب ورود به ماه شعبان است که ماه ولایت است. از همین روست که اغلب اذکار ماه رجب یا اذکار استغفاری است که بنده را آماده ی دریافت حکمت می نماید و یا اذکار توحیدی است. زیرا هر کس از درب ولایت وارد شود، می تواند به شهر حکمت وارد شود. و حکمت چیست؟ گویی شجره ی اهل بیت علیهم السلام، شجره ی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است. و بدین ترتیب انس دائمی با اهل بیت علیهم السلام و مقام ولایت، انسان را به ولایت الهی یعنی ماه رمضان می رساند. بنابراین اگر کسی می خواهد تحت ولایت الله واقع شود، باید تحت ولایت اهل بیت علیهم السلام واقع شود و باید از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام آغاز کند.

این گویی تبیین اسرار اعمال این سه ماه است. لذا در میان اهل معنا از اول ماه رجب که آغاز می شد، خود را آماده ی ورود به ماه شعبان و سپس ماه مبارک رمضان می نمودند و البته این همه مقدمه ای بود برای درک لیالی قدر.

لزوم کم کردن کارها برای عبادت

مرحوم میرزا جواد آقا می فرماید که هر چند طلب علم از واجبات است، و برای اهل علم از اوجب واجبات است، ولی حتی براهل علم لازم است که در ماه رجب مقداری از این امور کم کنند و بیشتر به عبادت بپردازند. چون به بیان بنده، ثمره ی تحصیل علم باید در عبادت ظاهر شود. من اگر علمی را بخوانم که خضوع و خشوع نداشته باشم، این علم حقیقی نیست؛ چرا که: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ﴾^۱. و ایمان در کنار علم است که به انسان درجه می دهد: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا

مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ^۱ والا ایمان بدون علم و علم بدون خشوع و خضوع فایده‌ای ندارد.

اگر در ماه رجب چنین توصیه‌ای به اهل علم می‌کنند، برای غیر اهل علم، یعنی جماعت کاسب، جماعت خانه‌دار و دیگران، تکلیف روشن است. بنابراین هیچ حجتی برای کسی وجود ندارد که بگوید من وقت نکردم در ماه رجب دعای رجبیه بخوانم، نماز بخوانم و یا کارهای مختلف انجام دهم. ثانیاً باید توجه نمود که مراتب طهارت یک شبه حاصل نمی‌شود.

ماه‌های رجب و شعبان و ۲۰ روز اول ماه رمضان، مقدمه‌ی شب‌های قدر هستند.

سه ماه رجب، شعبان و رمضان روی هم ۹۰ روز است. از این ۹۰ روز، دهه‌ی آخر ماه رمضان را کم کنید، می‌شود ۸۰ روز. گویی انسان باید دو اربعین طی کند تا به دهه‌ی آخر ماه رمضان برسد که اوج بهره‌مندی انسان از مقام ولایت خودش و لیاالی قدر است: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»^۲. این ۱۰ روز آخرگویی بهره‌مندی از مقام امام عصر عجل الله تعالی فرجه و حضرت صدیقه‌ی طاهره ع است. این ۱۰ روز، زمان بهره‌مندی است.

«وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ قَتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ»^۳. خداوند می‌توانست بفرماید «و واعدنا موسی اربعین لیلۃ»، اما این گونه فرمود تا به من و شما بفهماند که اگر ۳۰ روز اول نبود، آن ۱۰ روز نتیجه‌ای نداشت. به تعبیر ما: «و واعدنا الانسان» به دو اربعین «و اتممنا» این دو اربعین، به دهه‌ی آخر ماه رمضان. یعنی هیچ کس نمی‌تواند از دهه‌ی آخر ماه رمضان بهره‌مند شود مگر آن که این دو اربعین را به خوبی طی کند. اربعین اول ماه رجب و دهه‌ی اول ماه شعبان است و اربعین

۱- مجادله، ۱۱.

۲- قدر، ۱.

۳- اعراف، ۱۴۲.

دوم بیست روز از ماه شعبان و بیست روز از ماه رمضان است. به این ترتیب انسان برای شب قدر و ده روز آخر ماه رمضان لیاقت پیدا می‌کند.

ندای مَلَك داعی در شب‌های ماه رجب

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند که امتیاز عبادت در شب‌های ماه رجب نسبت به سایر اوقات آن است که خداوند از سرآغاز شب تا به صبح ملکی به نام «داعی» را در آسمان هفتم قرار می‌دهد^۱ که ندا می‌دهد:

«عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ مَلَكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي فَإِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلَكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ: طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ، وَيَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: أَنَا جَلِيسٌ مَنْ جَالَسَنِي وَمُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَنِي وَغَافِرٌ مَنْ اسْتَغْفَرَنِي، الشَّهْرُ شَهْرِي وَالْعَبْدُ عَبْدِي وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي، فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ وَمَنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي، فَمَنْ اغْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ»^۲

مرحوم میرزا جواد آقا می‌فرماید^۳ که ما در روایات، روایتی به این سیاق نداریم که خداوند در یک ماه به بنده‌هایش بفرماید که کیانند که نیمه‌های شب از بستر بلند شوند و با من مناجات کنند، خلوت کنند... تا این تعبیر که: «أَنَا جَلِيسٌ مَنْ جَالَسَنِي»، نمی‌فرماید «أنتم جلساء إِيَّاي» (شما با من مجالست کنید)، اینقدر خداوند خود را تنزل می‌دهد که انسان شرم‌نازیده می‌شود، می‌گوید من با شما مجالست می‌کنم! اگر نیمه‌های شب برخیزید، «أَنَا جَلِيسٌ مَنْ جَالَسَنِي». که

۱- این که می‌فرمایند آسمان هفتم نشان می‌دهد که این ملک بسیار بلندمرتبه است؛ چون عالم دُوم‌رُتَب است و هر مرتبه ملائکه خاص خودش را دارد. ملائکه مقربین در آسمان هفتم هستند که دیگر فوق آن آسمانی نیست. پیداست این صدا از عدنان عرش و از بالاترین مراتب آسمان می‌آید و تا ادنی مرتبه می‌رسد.

۲- اقبال الاعمال، سید بن طاووس، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۹ق، ص ۶۲۸.

۳ - المراقبات ص ۳۶

مرحوم میرزا جواد آقا می نویسد: وای بر ما که ماه رجب می شود و خداوند تا این حد ابراز محبت و صمیمیت می کند! و باز هم ما سرگرم خودمان هستیم!

«وَالْعَبْدُ عَبْدِي»: خداوند می فرماید این بنده ای که بلند می شود در این نیمه های شب با من مناجات می کند بنده ی من است، «فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي»، این بنده ی من است. «وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي»: رحمتی که این شب ها من بر بندگانم فرو می فرستم رحمت خاص الخاص من است. رحمتی است که کامل واصل می کند.

«فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ»: هرکس در این ماه مرا بخواند جوابش را می دهم

«وَمَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ»: هرکس در این ماه از من چیزی بخواهد به او می دهم، حتی خود من را بخواهد به او می دهم، چون دنباله اش دارد: «وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ»: هرکس از من هدایت خاص را بخواهد هدایتش می کنم. کسی که نیمه های شب آن هم در ماه رجب بلند شده است و دارد با خدای خودش مناجات می کند، مگر هدایت شده نیست؟ چرا در روایت می فرماید که از من هدایت بخواهد؟ این معلوم است که هدایت خاص را می خواهد، اگر هدایت نشده بود که نیمه های شب برای مناجات بر نمی خواست. مثل این آیه ی شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ». خداوند به کسانی که ایمان آورده اند فرمان می دهد که ایمان بیاورند، این که امر به تحصیل حاصل است! امر لغواست! پس مراد این آیه ی شریفه چیست؟ ای بسا ایمان دیگری را می گوید. یک مرتبه بالاتری از هدایت را می گوید. همان طور که در این جا می فرماید: «وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ». و بعد می فرماید: «وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ...»: و من این ماه را ریسمانی بین خودم و بندگان خاصم قرار دادم، هرکس به این ریسمان چنگ بزند بداند به من متصل می شود.

لذا در حدیث قدسی است که خداوند خطاب به حضرت موسی عليه السلام درباره ی نماز شب می فرماید: «يَا ابْنَ عِمْرَانَ، هَبْ لِي مِنْ عَيْنِكَ الدُّمُوعَ وَمِنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ وَمِنْ بَدَنِكَ الْخُضُوعَ، ثُمَّ ادْعُنِي فِي ظُلَمِ اللَّيْلِ تَجِدُنِي قَرِيباً مُجِيباً. يَا ابْنَ عِمْرَانَ، كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُجِيبُنِي وَإِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي»

دروغ می‌گویند آن‌هایی که می‌گویند ما خدا را دوست داریم، اما وقتی شب فرا می‌رسد، در خواب فرو می‌روند. آیا غیر از این است که هر محبی دنبال این می‌گردد که با معشوق خودش خلوت کند؟ «أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبٍّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟ هَا أَنَا ذَا ابْنِ عِمْرَانَ مُطْلِعٌ عَلَى أَحِبَّائِي، إِذَا جَنَّهُمُ اللَّيْلُ حَوَّلْتُ أَبْصَارَهُمْ مِنْ قُلُوبِهِمْ وَمَثَلْتُ عُقُوبَتِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ يُخَاطِبُونِي عَنِ الْمُشَاهَدَةِ وَيُكَلِّمُونِي عَنِ الْحُضُورِ»، پس ای عزیزان، اکنون که ماه رجب فرا رسیده و خود معشوق آمده و خود می‌گوید من منتظر شما هستم، چند نفر می‌آیند با معشوق خود خلوت کنند؟

شب خیز که عاشقان به شب راز کنند گرد درو بام دوست پرواز کنند
هر جا که دری بود به شب بر بندند الا در دوست را که شب باز کنند

دستورات و عبادات ماه رجب

نماز شب؛ مرقات اهل سلوک

خداوند می فرماید: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا». «تهجد» در لغت یعنی از بستر بلند شدن. این آیهی شریفه نشان می دهد که درخواستن برای نماز شب به خودی خود ارزش دارد؛ ممکن است بعضی نتوانند سر شب بخوابند، ایرادی ندارد، این افراد می توانند اگر تا بعد از ۱۲:۳۰ شب بیدار مانده بودند، نماز شب خود را بخوانند و بعد بخوابند، ولی این تهجد نیست، صرفاً نماز شب خواندن است. در حالی که ما امر به تهجد شده ایم؛ یعنی انسان شب را بخوابد و بعد نیمه های شب برای نماز برخیزد.

در سنن النبی دارد که پیغمبر اکرم ﷺ سه بار از خواب برمی خواستند تا مشقت بیشتری به خود وارد کنند. نمازهای پیغمبر اکرم ﷺ دو چهار رکعت و یک سه رکعت بود؛ می خوابیدند، بلند می شدند و چهار رکعت نماز شب می خواندند و می خوابیدند، بعد از یک ساعت برمی خواستند و چهار رکعت بعدی را می خواندند، بعد یک سجده طولانی به جا می آوردند و دوباره می خوابیدند، کمی بعد دوباره بیدار می شدند و سه رکعت بعدی را می خواندند. تهجد بسیاری از بزرگان ما هم چنین بود چنانکه از مرحوم آقای قاضی نقل شده نماز شب ایشان نیز به همین ترتیب بود.

من نمی خواهم بگویم که ما هم این طور باشیم، منظورم اینست که بهانه نیاوریم که شب ها کوتاه است، و نمی توانیم نماز شب بخوانیم. امام عسکری علیه السلام درباره ی سلوک الی الله می فرماید: «إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ»^۱. باید همتی به خرج داد و از امور دیگر در این ماه برای جبران خسارت ها مایه گذاشت.

۱ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۵، ص ۳۸۰، باب ۲۹: مواظب أبي محمد العسكري عليه السلام و كتبه إلى أصحابه.

مرحوم آقا سید احمد کربلایی در نامه‌ای به یکی از شاگردانش که از استاد دستوری برای پیدا کردن حال گریه و انابه درخواست کرده بود، جواب می‌دهد: «تو فکر کرده‌ای من اینقدر نفهم هستم که غیر از این که سر خودت را کلاه می‌گذاری، می‌خواهی سر مرا هم کلاه بگذاری؟» بعد می‌گوید: «آیا شنیده‌ای که کسی به مادر بچه مرده طریقه‌ی گریه کردن یاد دهد؟ یا این که ما ادای مادر بچه مرده را در می‌آوریم؟» بله! کسی که درد ندارد، اگر بخواهد گریه کند می‌ماند که چگونه گریه کند، چون درد نکشیده، بچه‌ی او نمرده است. ما باید دردمان بیاید تا ندای «أَيُّنَ الرَّجَبِيُّونَ» و «أَنَا جَلِيسُ مَنْ جَالَسَنِي» را درک کنیم! لذا به قول مرحوم میرزا جواد آقا، اولیای الهی برای درک لیلۃ القدر ماه رمضان، از شب اول ماه رجب دورخیز می‌کردند.

به هر روی، زبان حال ما هم باید این باشد که اگر عزیز مصر نیستیم تا بتوانیم یوسف علیه السلام را بخریم، لا اقل مثل آن پیرزنی هستیم که در صف خریداران یوسف علیه السلام ایستاد؛ تا صرفاً تماشاچی آن جمال زیبا نباشد! بیایید ما هم در این ماه رجب هم‌تی کنیم تا لا اقل در صف قرارمان دهند و در کاسه‌مان چیزی بگذارند.

ارزشمندترین کار در ماه رجب، اهتمام به نمازهای یومیه

اهتمام به نمازهای یومیه؛ مهم‌تر از خواندن نماز شب

مطلب بعدی که باید خدمتتان عرض کنم این است که بسیاری از افراد، خود را برای یک کار مستحب به زحمت می‌اندازند، ولی از امور واجبشان باز می‌مانند. مثلاً بعضی افراد به نماز شب

۱- نقل کرده‌اند که وقتی حضرت یوسف علیه السلام را به بازار آوردند تا بفروشند، صف طولی از ثروتمندان و توانگران برای خرید او ایجاد شد و همه برای خریدن جناب یوسف علیه السلام مبالغ هنگفتی ارائه می‌کردند. در این میان پیرزنی هم آمده بود که جز یک دوک نخ‌ریسی دارایی دیگری نداشت. از او پرسیدند تو برای چه میان این صف آمده‌ای؟ مگر تو برای خریدن یوسف چه داری؟ عده‌ای به او خندیدند و عده‌ای از سر دلسوزی به او گفتند: آخر آن خریداران یوسف کجا و تو کجا؟! پیرزن گفت: می‌دانم کسی یوسف را به من نمی‌دهد، اما آمده‌ام تا بگویم من هم خریدار توام! فقط تماشاگر نیستم!

اهتمام زیادی دارند که خیلی هم توصیه شده است، اما نسبت به نمازهای یومیه‌شان کاهل هستند. از مرحوم آیت الله قاضی نقل شده که هر کس دنیا می‌خواهد نماز شب بخواند، آخرت هم می‌خواهد نماز شب بخواند. اما در میان دستورات عملی که ایشان به شاگردانش می‌فرمود، نماز شب جزو دستورات مراتب متوسط بود نه مراتب اولیه. توجه به نمازهای یومیه و اهتمام به حال و توجه و حضور قلب در آن، مهم‌تر از اهتمام به نماز شب است. به تعبیر مرحوم شیخ حسنعلی نخودکی، اگر ابتدا نماز یومیه‌مان را درست کنیم، آن چنان تالّو و نورانی‌تی در زندگی انسان ایجاد می‌شود که انسان را برای نماز شب بیدار می‌کنند و دیگر نیاز نیست شخص خود با زحمت بیدار شود!

بیاید در این ماه رجب کمی غیرت به خرج دهیم. غیرت انسان غیرت خدا را برمی‌انگیزد. خدا انسان‌های غیور را دوست دارد، لذا اگر کسی با غیرت وارد میدان سیروسلوک شود، خدا هم با غیرت دست او را می‌گیرد. لذا توصیه می‌کنم از کم‌ترین شروع کنید، اما محکم شروع کنید و سعی‌تان را بگذارید تا نمازهایتان را با حضور قلب بخوانید.

روایاتی پیرامون حضور قلب در نماز

روایتی از امام سجاد (علیه السلام) خدمتتان عرض می‌کنم که فرمود: وقتی بنده‌ی مؤمن به نماز می‌ایستد و رو به پروردگار می‌کند، خداوند هم به او اقبال می‌نماید؛ یعنی در اول نماز که بنده می‌گوید «الله اکبر»، خداوند هم می‌فرماید «لبیک»، این خطاب به همه‌ی نمازگزاران هست. ولی امام (علیه السلام) بعد می‌فرمایند: اما وقتی بنده وارد نماز می‌شود اعراض از حق می‌کند، بنده اعراض می‌کند ولی خدا اعراض نمی‌کند، بار اول اعراض می‌کند و خداوند به لطف و کرمش تحمل

می‌کند،^۱ بار دوم اعراض می‌کند و خداوند تحمل می‌کند، اما بار سوم خداوند اعراض می‌کند. در نماز حضور قلب داشته باشید تا از خداوند اعراض نکنید.

در روایت دیگری از امام سجاد علیه السلام است که می‌فرماید: اگر شخصی در نیمی از نماز حضور قلب داشت، همان مقدار از آن باطناً قبول می‌شود؛ گرچه نماز او ظاهراً و فقهاً درست است اما باطناً قبول نمی‌شود. از همین روست که اصل نماز یک رکعت بوده است، روایات درباره‌ی این مطلب در صلاة معراجیه آمده که اصل نماز یک رکعت است، تفضلاً در رکعت بر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرض شد، و بعد از آن جا که ایشان می‌دانست که امتش حتی معلوم نیست که در نیمی از نمازشان هم حضور قلب داشته باشند، از خداوند درخواست کرد که نمازها ۳ رکعت و ۴ رکعت باشند و به شرف سیدالشهدا علیه السلام هنگام تولد ایشان و به شرف پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله، برخی نمازهای یومیه ۳ و ۴ رکعتی تشریع شد. خلاصه این که اگر کسی بتواند در یک رکعت از نمازش هم حضور قلب کامل داشته باشد، نمازش درست است، اگر در رکعت اول نشد در رکعت دوم جبران کنید، نشد در رکعت سوم، نشد چهارم. بعد در همان روایت دارد که اگر کسی در ثلث نماز حضور قلب داشت ثلثش، در ربعش داشت ربع، تا می‌رسد به عشر، بعد می‌فرماید اگر کسی حتی در یک دهم نمازش هم حضور قلب نداشت، نماز او مثل یک تکه لباس کهنه پیچیده می‌شود و به صورتش کوبیده می‌شود و از درگاه الهی رد می‌شود.^۲ مرحوم میرزا جواد آقا در پی این روایت می‌فرماید: این که رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره‌ی نماز فرمود «إِنَّ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا»^۳ آیا تو را به فکر وانی دارد؟

۱- «عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكُرْنَبِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع؟ يَقُولُ: ...إِنِّي لَأُحِبُّ لِلرَّجُلِ الْمُؤْمِنِ مِنْكُمْ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ أَنْ يَقْبَلَ بِقَلْبِهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَلَا يَسْغَلَهُ بِأَمْرِ الدُّنْيَا فَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ يُقْبَلُ بِقَلْبِهِ فِي صَلَاتِهِ إِلَى اللَّهِ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِوَجْهِهِ وَأَقْبَلَ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ بِالْمَحَبَّةِ لَهُ بَعْدَ حُبِّ اللَّهِ إِلَيْهِ». (الأُمَلِي (للمفيد)، النص، ص: ۱۵۰)

۲- «إِنَّ مِنَ الصَّلَاةِ لَمَا يَقْبَلُ نِصْفُهَا وَثُلُثُهَا وَرُبُعُهَا وَخُمْسُهَا إِلَى الْعُشْرِ، وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يُلْفُ كَمَا يُلْفُ الثَّوْبُ الْمُخْلَقُ فَيُضْرَبُ بِهَا وَجْهٌ صَاحِبِهَا وَإِنَّمَا لَكَ مِنْ صَلَاتِكَ مَا أَقْبَلْتَ عَلَيْهِ بِقَلْبِكَ.»

۳- «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ كُلُّ سَهْوٍ فِي الصَّلَاةِ يُطْرَحُ مِنْهَا غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُتِمُّ بِالتَّوَافُلِ إِنْ أَوَّلَ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا إِنْ الصَّلَاةُ إِذَا انْتَفَعَتْ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ بَيْضَاءُ

ما همه عملمان به برکت نمازمان قبول می‌شود، نماز من هم که وضعش این طوری است! چه کار کنم. چه چیزی شب اول قیرکف دست ما می‌آید؟ این از نمازم، نماز که تیرک دینم است این طور است، چه کار کنم؟ این است که به نظر بنده هیچ دستور ذکری و فکری نداریم جز این که بنا را بگذاریم نمازمان را درست بخوانیم. حال چه طور نماز را درست بخوانیم؟

روش عملی تحصیل حضور قلب در نماز

کار سختی است، ولی «أَنْ أَخَذَ الْقَلِيلَ خَيْرٌ مِنْ تَرْكِ الْكَثِيرِ»^۱. در ابتدای راه بنا بگذارید که در میان نمازهای یومیه، فقط یک نماز دورکعتی صبح را با حضور قلب بخوانید. اگر نمی‌شود به کمتر اکتفا کنید و از اول ماه رجب تقریباً نذر کنید که این کار را انجام دهید، یعنی اگر انجام ندادید خود را تنبیه کنید. حتی با خود قرار بگذارید که اگر در این اندازه هم نمی‌توانید، حداقل در یک سوره‌ی حمد نماز صبح حضور قلب داشته باشید.

نازل‌ترین مرتبه‌ی حضور قلب در نماز بعد از مرتبه‌ی فقهی آن، توجه به معانی کلماتی است که می‌خوانیم. لذا در ماه رجب به مدت یک هفته این گونه که گفته شد عمل کنید و ببینید چقدر فرق می‌کند. اگر موفق بودید این دستور را توسعه دهید. این که گفته می‌شود از نماز صبح شروع کنید به این دلیل است که عقبه‌ی نماز صبح متصل به خواب است و روح آرام گرفته است، لذا خواطر شیطانی در نماز صبح کمتر به انسان حمله می‌کند، ولی در بقیه‌ی نمازهای یومیه حمله‌ها شدیدتر است. لذا کنترل خود و خواطر خود در نماز صبح راحت‌تر است. اگر این کار را هم نمی‌توانید انجام دهید، این تمرین را در نماز نافله‌ی صبح انجام دهید، به این ترتیب که در حال نماز به معانی کلماتی که می‌گویید توجه داشته باشید؛ گویی در حال بازگو کردن مطلبی نزد بزرگی هستید.

مُسْرَقَةً تَقُولُ حَفِظْتَنِي حَفِظَكَ اللَّهُ وَإِذَا ارْتَفَعْتَ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا بَعَثَ حُدُودَهَا رَجَعْتَ إِلَى صَاحِبِهَا وَهِيَ سَوْدَاءُ مُظْلِمَةٌ تَقُولُ صَبَّعَنِي صَبَّعَكَ اللَّهُ»

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۸۹.

مراقبه؛ اصلی‌ترین دستور عملی

به شما توصیه می‌کنم و وصیت حضرت استاد را که خدا رحمتشان کند به شما می‌گویم که تلاش کنید در این ماه رجب بر خلاف جریان مسیر این روزگار شنا کنید، خودتان را قدری خرج وجود خودتان کنید. بیایید در میان زشتی‌ها و صفات ذمیمه‌ی خود بررسی دقیق کنید و یکی را که فکر می‌کنید بیشتر مزاحم است و می‌توانید با آن مبارزه کنید در نظر بگیرید و به طور جدی با آن مقابله کنید و مراقبه‌ی خود را ترک آن صفت ذمیمه قرار دهید و هر شب محاسبه‌ی دقیقی بر ترک آن وصف داشته باشید.

نکته‌ی دیگر آن‌که تجربه نشان داده شیطان در روزهای آخر ماه‌های عزیز حملات بیشتری دارد و می‌خواهد همه‌ی زحمات انسان را یک باره با یک گناه یا عصبانیت یا و رفتار زشت دیگری ناگهان از بین ببرد، لذا مراقبه‌ی خود را در هر سه ماه رجب و شعبان و رمضان به تناسبی که جلو می‌روید بیشتر کنید.

دستور عملی مراقبه

لذا از همین الان که ماه رجب شروع نشده محاسبه‌ی دقیقی داشته باشید و گرفتاری اصلی خود را در مقابل شیطان پیدا کنید. به این گونه که عیوبی که احساس می‌کنید نقطه‌ی ضعف اصلی شماست شناسایی نمایید؛ مثلاً کسی در برابر شهوت شکم ضعیف است و ناخواسته پرخوری یا بدخوری می‌کند و در نتیجه توفیق روزه و یا برخی اعمال عبادی از جمله نماز شب را پیدا نمی‌کند، دیگری در برابر عصبانیت و غضب ضعیف است، کسی ممکن است در موقعیت‌های خاصی عصبانی شود، مثلاً انسان در حال رانندگی وقتی کسی مقابلش می‌پیچد، به هم می‌ریزد ولی اگر از پشت سر بوق بزنند به هم نمی‌ریزد! بیایید در یافتن نقاط ضعف اخلاقی خود به طور کاربردی دقیق شوید، دقیقاً جاهایی را که می‌دانید و تجربه کرده‌اید که معمولاً در آن موقعیت‌ها شیطان شما را زمین می‌زند پیدا کنید، محاسبه‌ی دقیقی انجام دهید و آن‌ها را پیدا کنید. لازم نیست به خودتان مغرور شوید و بگویید من با همه‌ی زشتی‌های خودم و با همه‌ی جنود شیطان یک باره وارد جنگ می‌شوم، انسان نمی‌تواند و حریف نیست، آن رئیس کل را در نظر

بگیرید، یکی یا دو تا از عیوب و نقاط ضعف اصلی تان را در نظر بگیرید. آن جاهایی که واقعاً بیش از بقیه زمین خوردید، به طور جدی روی آن‌ها حساس باشید. حتی بنده معتقدم نسبت به این موقعیت‌ها احتیاط کنید؛ مثلاً می‌دانید کاری که انجام می‌دهید گناه نیست، اما اگر انجام دهید، وارد فضایی می‌شوید که مناسب نیست و نمی‌توانید تبعات آن را کنترل کنید، لذا بهتر است در آن فضا وارد نشوید. مثلاً تجربه کرده‌اید که اگر کسی در مقابل شما بلند حرف بزند، کم‌کم عصبانی می‌شوید، اگر در چنین موقعیتی قرار گرفتید و طرف مقابلتان را نمی‌شود کنترل کرد و فریاد می‌زند، از آن فضا بیرون بیایید، اگر او فریاد می‌زند، شما تند تند آب بخورید و یا تلاش کنید روی موضوع دیگری تمرکز کنید، یا در دلتان آیات قرآن را بخوانید و بر آن تمرکز کنید. به هر صورت باید در این ماه بر دهان شیطان بکوبید.

در رساله‌ی سیروس‌سلوک مرحوم بحرالعلوم ذکر شده که می‌فرماید: در اوایل، شیطان ما را عددی حساب نمی‌کند، لذا معمولاً سربازانش را می‌فرستد. اصلاً ارزشی برای افراد عادی قائل نیست که خودش وارد میدان شود. به تناسب این‌که انسان در ماه رجب و شعبان جلو می‌آید، سربازان ضعیف یا قوی خود را می‌فرستد و هنگامی که آن‌ها شکست خوردند، بالاخره خودش وارد میدان می‌شود و می‌گوید حالا من عمرو بن عبدود تو هستم، عمرو تا قبل از این جلونمی‌آمد، سربازان خرده‌پای خود را می‌فرستاد، ولی وقتی دید آن‌ها حریف نیستند، خودش جلو آمد. در جنگ خندق دشمن تا آخرین مرحله عمرو را جلونمی‌فرستاد، چون می‌دانست که اگر او زمین بخورد، دشمن هم زمین می‌خورد. شیطان وقتی زمین بخورد یعنی کفر زمین خورده است. لذا توصیه می‌کنم اگر در یک جایی در مقابل شیطان پیروز شدید، مغرور نشوید و بدانید که یکی از سربازان ضعیف او را زمین زده‌اید، منتظر سرباز بعدی باشید، منتظر پاتک دشمن باشید. لذا واجب است که همیشه در حال مراقبه باشید.

عمده‌ی دستورات در ماه رجب، استغفار است؛ یعنی مراقبه و طلب آمرزش از خداوند. استغفارات مابین الطلوعین صبح، و نیز هنگام غروب خیلی مهم است و هریک شب و دیگری روز شما را اصلاح می‌کند.

باید حداقل مراقبه‌ی شما بر روی گناه باشد، آن هم مبتلا به‌ترین گناهی که انسان به آن آلوده است. خیلی‌ها می‌گویند: در خود گشتیم ولی پیدا نکردیم، این خیلی زشت است کسی عیوب خود را نداند. در این صورت می‌توان به کتب اخلاقی مراجعه کرد که به برخی عیوب مبتلا به‌تر اشاره کرده‌اند.

مراقبه‌ی زبان؛ ام المراقبات

در نصوص روایی داریم که یکی از مراقبات گویی ام المراقبات است و آن زبان است؛ چنان‌که رسول خدا ﷺ با رؤیت هلال این ماه‌ها می‌فرمودند: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي رَجَبٍ وَ شَعْبَانَ وَ بَلِّغْنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَ أَعِنَّا عَلَى الصَّيَامِ وَ الْقِيَامِ وَ حِفْظِ اللِّسَانِ وَ غَضِّ الْبَصَرِ وَ لَا تَجْعَلْ حَظَّنَا مِنْهُ الْجُوعُ وَ الْعَطَشُ.»^۱ معمولاً عصبانیت از راه زبان بروز می‌یابد، شهوت از طریق زبان آغاز می‌شود، تهمت و تحقیر و غیبت از زبان جلوه می‌کند. خود پرحرفی هم جزو زشتی‌هاست، لذا اگر کسی هیچ گناهی در خود پیدا نمی‌کند، لااقل در این ماه این مراقبه را شروع کند و در جاهایی که خدا دوست ندارد پرحرفی نکند. منظوم این نیست که سخن گفتن با خانواده، مادر، همسر و... را کم کنید، که بگو بخند با همسر و فرزند و ادخال سرور در آن‌ها خود ممدوح است. لذا اشتباه نکنید، در دین خدا فتن باشید، دقت کنید و ببینید در دانشگاه، در کوچه و بازار، کجا با مردم لغو می‌گویید، آن‌ها را کنترل کنید.

شعبان ماه رسول اکرم ﷺ است و باب ورود به ماه شعبان از ماه رجب است. لذا اگر انسان ماه رجب خوبی نداشته باشد، ماه شعبان خوبی ندارد و اگر ماه شعبان خوبی نداشته باشد، طبعاً توحید خوبی ندارد، زیرا که ماه رمضان ماه پروردگار و توحید است. بدون ورود به بیت ولایت رسول اکرم ﷺ ماه رمضان ماه با برکتی برای شخص نخواهد بود. لذا شخص باید از ماه رجب کمر همت ببندد. حیف است که این سه ماه رجب، شعبان و رمضان بیاید و انسان کوله بار خود را نبندد. لذا تمام توصیه این است که ماه رجب را ماه مراقبه‌ی جدی قرار دهید.

گناه‌شناسی؛ لازمه‌ی مراقبه

برای کسانی که در دستورات عملی در اولین مرتبه‌ی مراقبه قرار دارند، مراقبه از حرام عمده‌ی مراقبه است. اگر انسان بر این مراقبه کند که حرام الهی را مرتکب نشود و واجبات الهی را به جا آورد، کوله‌بار خود را در زندگی بسته است. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَفْضَلَ الْوَرَعِ اجْتِنَابُ الْمُحَرَّمَاتِ»^۱ بالاترین پرهیزگاری و افضل مراقبات اجتناب از محرمات الهی است. البته شیطان در پرهیز از گناه نیز انسان را به خطا می‌اندازد، زیرا هر کس در مقابل گناه خاصی ضعیف است. بنابراین در پایان روز که محاسبه می‌کنید نگویید خدا را شکر مثلاً امروز دروغی نگفتم یا غیبت نکردم، بلکه باید به دنبال گناهان کوچک و بزرگی در خود بگردید که بیشتر در معرض آن‌ها قرار می‌گیرید. معنا ندارد که انسان مثلاً بگوید خدا را شکر من شراب نمی‌خورم! معلوم است که امثال بنده و شما اگر بخواهیم شراب هم بخوریم از ترس آبروریزی اجتناب می‌کنیم و شیطان هیچ وقت بر ما از این در وارد نمی‌شود، او دشمن کارآموده‌ای است که خوب می‌داند از کدام راه ضربه بزند. خداوند در باره‌ی اغوائت شیطان می‌فرماید: «إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ»^۲. بنابراین باید خودمان نقاط ضعف اخلاقی خود را در مقابل گناهان و خطاها پیدا کنیم و هر کس به خودش نسبت به دیگران آگاه‌تر است: «بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ»^۳.

نتیجه این‌که انسان اول باید گناه‌شناس شود سپس پرهیز از گناه داشته باشد. گناه‌شناس یعنی کسی که احکام دینی خود را می‌داند. این‌که علمای اخلاق می‌گفتند سالک باید مجتهد باشد، به این معنا نیست که خود استنباط احکام کند، منظور از مجتهد اصطلاح رایج آن نبود و در میان شاگردان این بزرگواران افراد معمولی فراوان بودند و یا بسیاری از اهل علم بودند که مقام اجتهاد نداشتند ولی سالک بودند.

۱- عیون الحکم و المواعظ، لیثی، ص ۴۷۳.

۲- اعراف، ۲۷.

۳- قیامة، ۱۴.

مرحوم ملا حسین قلی همدانی قریب به سیصد نفر شاگرد از اصناف مختلف داشته است که در میان آن‌ها افشار مختلفی بودند. از برجسته‌ترین شاگردان مرحوم آیت الله قاضی، مرحوم سید هاشم حداد بود که طلبه نبود و به همین شرح ایضا در میان شاگردان شاگردانشان. بنابراین تأکید بر اجتهاد از این جهت بود که لازم می‌آمد شخص در مراقبه کاملاً مسلط بر احکام دینی خود باشد و ظرائف احکام الهی را در شئون مختلف زندگی اعم از معاملات، عبادات و یا خصوصاً در روابط اجتماعی و خانوادگی بلد باشد تا ناخواسته دچار حرام نشود.

خلاصه آن‌که باید مجتهد در گناه‌شناسی باشیم تا با ظرف آلوده و قلب نجس اعمالمان را به محضر حق عرضه نکنیم. خداوند می‌فرماید: ﴿إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾^۱. آنچه که به محضر مولی عرضه می‌شود اعمال ما نیست، بلکه کلمه‌ی طیب است؛ یعنی اصل در عمل انسان کلمه‌ی توحید است، ولی کلمه‌ی توحید در چه ظرفی بالا می‌رود؟ در ظرف قلب: >وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ<. اگر قلبمان کثیف باشد، هر چه ذکر بگوییم، عبادت کنیم و نماز بخوانیم، چون آب زلال را در ظرف کثیف ریخته‌ایم، این آب هم کثیف می‌شود.

این توصیه‌ی مشایخ طریق به شاگردانشان بوده است که اصلی‌ترین توشه‌ی سلوک تقوای از گناهان است که لازمه‌ی آن علم به احکام دینی است. بدین ترتیب دیگر از یک طرف گرفتار وسواس در عبادات و احکام نجس و پاکی نمی‌شویم و مرتکب تندروی در اعمال نمی‌گردیم و از طرف دیگر گرفتار لالایی‌گری هم نمی‌شویم.

استاد از آستانه‌ی فرا رسیدن ماه رجب، جوش و خروش این ماه را می‌زدند و می‌فرمودند اگر کسی به درستی وارد ماه رجب نشود، ماه شعبان را هم درک نمی‌کند و اگر کسی به درستی وارد ماه شعبان نشود، ماه رمضان را نیز درک نخواهد کرد. انتظار نداشته باشید در شب‌های قدر ماه رمضان، حقیقت قدر برایتان حاصل بشود و شب قدر بر شما طلوع کند، در حالی که هنوز ماه رجب

را درست طی نکرده‌اید. از ۳ ماه قبل باید خودتان را آماده کنید و گرنه با یک شب و دو شب کار درست نمی‌شود.

سحرگه رهروی در سرزمینی همی گفت این مَعَمّا با قرینی
که ای صوفی! شراب آنکه شود صاف که در شیشه بماند اربعینی

توسل و معامله با اهل بیت عصمت و طهارت برای اصلاح اعمال

در کتاب کلمات استاد است که شاگردی بعد از تحمل سفری طولانی به خدمت استادی از مشایخ قوم می‌رسد و از او می‌پرسد: اگر خداوند به شما هزار سال عمر بدهد، اصلی‌ترین اهتمام خود در سلوک را بر چه قرار می‌دهید؟ استاد پاسخ می‌دهد: ۹۹۹ سال در اصلاح عمل می‌کوشم و یک سال عبادت می‌کنم. این مضمون مطلبی است که در آیات مختلف و کلمات اهل بیت (علیهم‌السلام) با بیانات گوناگون وارد شده. برای نمونه، این بیان الهی که می‌فرماید: «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ»^۱ اشاره به همین مطلب دارد. این آیه‌ی شریفه در سیاق عدم قبول قربانی قایل و پذیرفته شده عمل هابیل است و ملاک در قبول عمل و در نتیجه میزان مقربیت اعمال عبادی را میزان تقوای سالک دانسته است.

با این توضیحات نتیجه می‌گیریم که اصل در ماه رجب بر مراقبه است، لذا دوستان یک محاسبه‌ی دقیقی در کارهای خود بکنید و اشکال اصلی در سستی در اعمال را پیدا کنید. توصیه می‌کنم هنگام محاسبه‌ی النفس هم توسلی به وجود مبارک یکی از اولیای الهی داشته باشید. خصوصاً در ماه رجب که تعلق به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) دارد، به ساحت مقدس ایشان متوسل شوید و بخواهید که مانع اصلی در سیر اخلاقی را به شما بفهمانند. اگر با زیارت امین الله توسل پیدا کنید خیلی خوب است؛ آن را به روح مقدس امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) و یا صدیقه‌ی طاهره (علیه‌السلام) هدیه کنید، واقعاً وجود ایشان فانی در علی بود و حضرت زهرا (علیه‌السلام) به هدایای امیرالمؤمنین خیلی علاقه دارند. بگویید این هدیه را خدمت شما تقدیم کردم و از شما تقاضا می‌کنم عنایتی به ما فرمایید.

در مراقبه و کنترل جوارح کار را از ساده شروع کنید. یک عمل را پیدا کنید که می‌تواند در افراد مختلف متفاوت باشد؛ مثلاً کسی زود عصبانی می‌شود و وقتی عصبانی می‌شود باب گناهان بر او باز می‌گردد، دیگری خدایی نکرده بر چشمانش کنترل ندارد و از این راه باب گناه بر او باز می‌شود، یکی خیلی پرحرف است و... ببینید مشکل کجا است و بر سر آن با امیرالمؤمنین (علیه السلام) معامله کنید. یعنی بگویید یا علی، ماه رجب ماه تواست، من می‌خواهم بیایم پای معامله! من با عزم راسخ پای کار می‌آیم، تو هم با کرم با من معامله کن. به محض این‌که در معرض گناه قرار گرفتیم، به یاد قول و قرارمان با مولی باشیم و محکم پای حرفمان بایستیم؛ «أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ»^۱. این خانواده اهل کرمند و قطعاً پاسخ افرادی را که خالصانه در را بکوبند می‌دهند.

بیایید در این سه ماه همان طور که از غذای آلوده اجتناب می‌کنیم و بر در معده‌ی خود نگهبانی داریم، بر در قلب خود نگهبان بگذاریم، «بَوَاب» گوش‌مان باشیم، بَوَاب چشم‌مان باشیم، بَوَاب قلب‌مان باشیم. چه طور است که برای خوردن یک تکه غذا و آبی که به فرض مسمومیت ممکن است مدتی ما را بیمار کند و فقط چند ساعت یا حداکثر چند روز آزارمان دهد، بواب می‌گذاریم و آب و غذای آلوده نمی‌خوریم، اما بَوَاب قلب‌مان نیستیم؟ اصل بر این است که ذکر و عبادت به میزان مراقبه ارزش دارد؛ چنان‌که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به اباذر فرمود: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَأَقْوَالِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ. يَا أَبَا ذَرٍّ، التَّقْوَى هَاهُنَا، التَّقْوَى هَاهُنَا، وَأَشَارَ إِلَى صَدْرِهِ»^۲. اگر کسی مراقبه‌اش درست نباشد، نه ذکرش فایده دارد نه نماز و روزه‌اش فایده دارد. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ؟ ص؟: رَبِّ صَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ صِيَامِهِ الْجُوعُ وَالْعَطَشُ، وَ رَبِّ قَائِمٍ حَظُّهُ مِنْ قِيَامِهِ السَّهَرُ»^۳ چه بسیار روزه‌دارانی که روزه‌ی آن‌ها جز گرسنگی و تشنگی هیچ چیز دیگری برایشان ندارد.

۱- بقره، ۴۰.

۲- مکارم الأخلاق، الفصل الخامس في وصية رسول الله ص لأبي ذر الغفاري رضي الله عنه.

۳- امالی، شیخ طوسی، النص، ص ۱۶۶.

پس اگر دوستان از اول ماه رجب تا یک یا دو اربعین را با مراقبه‌ی صحیح به میدان عمل بیایند، آثار آن را به سرعت خواهند دید که ماه رجب و شعبان آن‌ها با سال‌های قبل چقدر تفاوت خواهد کرد.

فضیلت روزه‌ی ماه رجب

روزه‌ی ماه رجب بسیار توصیه شده است. مرحوم سید در اقبال به طور مجزا برای افرادی که یک روز و دو روز تا سی روز ماه رجب را روزه می‌گیرند فضایی بیان فرموده. البته بنده توصیه نمی‌کنم که به خودتان فشار زیاد بیاورید و در نتیجه خدای ناکرده روزه‌ی ماه مبارک رمضان از شما فوت شود.

درباره‌ی روزه‌ی این ایام در روایت است که راوی از رسول خدا ﷺ می‌پرسد: اگر تابستان بود و نتوانستیم روزه بگیریم چه کنیم؟ حضرت می‌فرمایند: به ازای هریک روز از روزه‌ی ماه رجب که از شما فوت شد، یک مُد (تقریباً معادل یک کیلو) طعام صدقه بدهید. سپس حضرت می‌فرمایند اگر نتوانستید صدقه دهید، این ذکر را بگویید: «سُبْحَانَ إِلَهِ الْجَلِيلِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَهُ سُبْحَانَ الْأَعَزِّ الْأَكْرَمِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ الْعَزَّ وَهُوَ لَهُ أَهْلٌ» که مرحوم شیخ عباس قمی آن را در مفاتیح دارند. این ذکر را هر روز صد بار بگویید. لذا اگر کسی نمی‌تواند در ماه رجب روزه بگیرد، این ذکرها را بگوید یا هر روز به این نیت که روزه‌ی ماه رجب از او فوت شد صدقه بدهد. این کار را برای سایر روزه‌های مستحبی که از انسان فوت می‌شود نیز می‌توان انجام داد.

حتی آن‌هایی که مسافرت می‌روند، نگویند ما مسافریم و روزه برایمان واجب نیست، آن‌هایی که به کربلا، مشهد و... مشرف می‌شوند و نمی‌توانند روزه بگیرند، حتماً صدقه بدهند و یا این تسبیحات را بگویند تا از ثواب روزه‌داران بهره‌مند شوند.

بنده به همه‌ی دوستان توصیه به روزه‌ی ماه رجب نمی‌کنم، اما اگر بتوانید ۳ تا ۵ روز این ماه را روزه بگیرید خوب است؛ چه در اعتکاف شرکت می‌کنید یا نمی‌کنید. برای روزه گرفتن به

خودتان فشار نیاورید، بگذارید نشاط عبادت برایتان بماند. مبدا همه‌ی ماه رجب را روزه بگیرید و بعد در ماه شعبان یا در ماه رمضان با بی میلی روزه دار باشید، بگذارید عبادت با نشاط باشد. اگر بتوانید ده روز از ماه شعبان را روزه بگیرید خیلی خوب است، خصوصاً اگر سه روز آخر آن را روزه بگیرید، گویی شعبان را به رمضان وصل کرده‌اید. ولی در ماه رجب، اگر پنج شنبه‌ی اول، چهارشنبه‌ی وسط، پنج‌شنبه آخر ماه و روزهای توصیه شده به خصوص ۲۷ رجب که یکی از چهار روز سال است که به فضیلت روزه ممتاز است را روزه بگیرید کفایت می‌کند.

فضیلت تحصیل معرفت در ماه رجب

خیلی خوب است که انسان در ماه رجب زمانی از روز را به اکتساب معرفت خاص اختصاص دهد. معرفت خاص به این معنا نیست که کتاب‌های اعتقادی را مطالعه کنید، بلکه یعنی هرکسی بر حسب حال خود یک کتاب روایی و یا اخلاقی را که حال خوشی به انسان می‌دهد و مذکر است مطالعه کند. مرحوم آیت الله بهجت کتاب‌های مرحوم سید بن طاووس را توصیه می‌کردند. کتاب‌های افراد صاحب نفس مثل مرحوم میرزا جواد آقا در این باره بسیار مناسب است؛ مثلاً رساله‌ی لقاء الله، اسرار الصلوة، المراقبات، فلاح السائل، محاسبة النفس یا سایر کتب سید بن طاووس، تذکرة المتقین شیخ محمد بهاری، چهل حدیث و یا سایر کتب اخلاقی امام خمینی، و کتب حالی از این قبیل را مطالعه کنید. اگر فرصت مطالعه‌ی کتاب ندارید، هر روز یک روایت در باب معاد بخوانید و یا مثلاً روایتی در باب توحید بخوانید و خود را منقلب کنید. در هر صورت انسان سعی کند که در ماه رجب با معرفتی کامل تر به ماه شعبان وارد شود.

فضیلت قرائت دعای ناحیه مقدسه در ماه رجب

خواندن دعای ناحیه مقدسه توصیه‌ی عمومی است که مرحوم علامه و مرحوم استاد و میرزا جواد آقا و دیگر بزرگان این مکتب تربیتی در ماه رجب بدان تأکید بسیار می‌کردند. این دعا در مفاتیح هم هست و با این فراز آغاز می‌شود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعَ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وَلَاةُ أَمْرِكَ...» به قول استاد، از آن جا که رجب ماه ولایت است، در این دعا خداوند به تمام معنی ولایت را

تعریف کرده است. و جالب است که این دعا از ناحیه‌ی مقدسه است و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید اگر می‌خواهید ما را بشناسید، از لابلای فرازهای این دعا بشناسید. بنده توصیه می‌کنم که این دعا را فراوان بخوانید، همراه نماز صبح، نماز ظهر و آن‌ها که اهل نماز شب هستند در قنوت نماز و ترشان بخوانند.

در باب شب لیلة الرغایب

بر اساس روایات ما، ممتازترین شب‌ها در همه‌ی سال، سه شب است که همگی در این ماه‌های سه‌گانه واقع شده: اولی شب جمعه‌ی اول ماه رجب است به نام «لیلة الرغائب»، دوم شب نیمه‌ی شعبان که نامش «لیلة البرات» است و دیگر شب قدر در ماه مبارک رمضان که «لیلة القدر» است.

صاحب مراقبات، جمال السالکین مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در مراقبات خود می‌فرماید: ماه رجب اول ورود به میهمانی الهی است و توبیین در این ضیافت الهی با کدامین لباس و زیورات بر مولای خود وارد می‌شوی و تلطیف عمل مهمتراز تکثیر در عمل است و لذا در شب جمعه‌ی اول آن که شب عطای خاص الهی است اولین دعا یمان مغفرت و استعداد ورود به ضیافت خاص الخاص الهی باشد تا در همان شب جمعه‌ی اول پاک شویم و اجازه‌ی ورود به سرای محبوب را در همه‌ی ضیافت سه ماهه داشته باشیم. در ماه رمضان این طور نیست، شب قدر آخر ماه است که حساب دیگری دارد. رغائب جمع «رغیبة» است و رغیبة یعنی عطای کثیر؛ یعنی امشب بی حساب در باز است. اعمال مخصوص به این شب را خودتان در مفاتیح ملاحظه کنید.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند غافل از اولین شب جمعه‌ی ماه رجب نشوید که ملائکه آن شب را «لیلة الرغائب» نامیدند. این بیان پیامبر صلی الله علیه و آله که ملائکه چنین نامی بر این شب نهادند از آن روست که آن‌ها عالم بالا را می‌بینند و مشاهده می‌کنند که کرور کرور عطای کثیر و نعم و رحمت‌های خاص الهی در آن شب سرازیر است؛ لذا می‌گویند این شب، شب عطای کثیر است. ترکیب «لیلة الرغائب» اضافی صفت به موصوف است، بدین ترتیب لیلة الرغائب یعنی «اللیلة

هو الرغائب» یعنی شبی که در آن عطایای الهی کثیر است، سپس موصوف به صفتش اضافه شد و «لیلة الرغائب» گردید.

سپس حضرت می‌فرمایند: زمانی که یک سوم از شب گذشت، تمام ملائک آسمان و زمین به عالم دنیا می‌آیند و گرد خانه‌ی خدا طواف می‌کنند و خداوند توجه خاص به ملائکه‌ی خود می‌کند. توجه کنید که خیلی اوقات ملائک زمینی برای انسان دعا می‌کنند، ولی در آن شب عزیز، ملائکه‌ی آسمانی یعنی میکائیل و جبرائیل و اسرافیل و ملائکه‌ی مقدس الهی که دعایشان قطعاً مستجاب است دست به دعا برمی‌دارند. خداوند به ملائکش می‌فرماید در این شب هر دعایی دارید بخواهید تا من اجابت کنم، و ملائک دعا میکنند: خدایا روزه‌داران ماه رجب را بیامرز.

مختصری پیرامون اعتکاف

اصل در اعتکاف دو امر است: یکی که مهم‌تر هم هست، مسئله‌ی عزلت و به خود و عبادت مشغول بودن در ایام البیض است و دوم بهره بردن از فضای معنوی مسجدی است که برای اعتکاف به آنجا می‌روید. و لذا سعی کنید حداکثر بهره را در این زمان با تنهایی و کم صحبت کردن و تلاوت قرآن و دعا و نماز ببرید.

عمده در دعا‌های اعتکاف تضرع و ابتهال است و به همین دلیل هم در این ایام برگزیده کردن دستور داده شده‌ایم و امام صادق علیه السلام اشک ریختن هنگام دعا را علامت استجابت دعا بیان می‌کنند.

مختصری درباره‌ی «ام داوود»

جناب سید بن طاووس در اقبال می‌نویسد: «زمانی که منصور عباسی، عبد الله بن حسن علیه السلام را به همراه گروهی از آل ابی طالب زندانی کرد و دو پسر عبد الله بن حسن علیه السلام یعنی محمد و ابراهیم را به قتل رساند، در این زمان داوود بن حسن بن حسن علیه السلام را نیز گرفت و با غل و زنجیر از عراق به مرکز حکومت خویش انتقال داد. او پسر دایه‌ی امام جعفر صادق علیه السلام بود؛ زیرا «ام داوود» مادر رضاعی امام صادق علیه السلام بود و مادر داوود به ایشان شیر داده بود.

امّ داوود می‌گوید: مدت زمانی پسر من نیامد و خبری از او در عراق به گوشم نرسید. در این زمان، پیوسته به درگاه خداوند دعا و تضرع نموده و از برادران دینی و کوشا در عبادت، می‌خواستم که در این باره به درگاه خدا دعا کنند، ولی اثری از اجابت دعا نمی‌دیدم، تا این‌که روزی برای عیادت به محضر حضرت جعفر بن محمد علیه السلام وارد شدم و پس از پرس و جواز حال آن حضرت و دعا برای ایشان، آن بزرگوار فرمود: ای امّ داوود، از داوود که من برادر رضاعی او هستم، چه خبر؟ عرض کردم: ای آقای من، داوود کجاست، در حالی که مدت زمان طولانی است که او را از من جدا و در عراق زندانی کرده‌اند. فرمود: چرا دعای استفتاح را نمی‌خوانی، همان دعایی که درهای آسمان برای اجابت آن گشوده می‌گردد و دعاکننده بی‌درنگ اثر اجابت را می‌بیند و در برابر آن، در نزد خداوند متعال پاداشی به جز بهشت ندارد؟ عرض کردم: این دعا چگونه است ای پسر راستگویان! فرمود: ای امّ داوود، ماه حرام بزرگ، ماه رجب، نزدیک شده است و این ماه، ماهی است که دعا در آن به اجابت می‌رسد و این ماه، ماه اصمّ خدا است. سپس حضرت دستور اعمال معروف به ام داوود را به او یاد داد. سپس فرمود: «آنچه را که به تو آموختم حفظ کن و مبادا آن را به کسی بیاموزی تا برای هدف نادرست و باطلی دعا کند؛ زیرا اسم اعظم خداوند در آن نهفته است، همان اسمی که هرگاه بدان دعا شود، خداوند اجابت می‌کند و هرگاه با توسل به آن از خدا درخواست شود، عطا می‌کند. اگر آسمان‌ها و زمین و دریاها به روی انسان بسته باشند و حاجت تو از گشوده شدن آن‌ها بزرگ‌تر باشد، خداوند راه رسیدن به آن را برای تو آسان خواهد نمود و اگر همه‌ی جئیان و انسان‌ها دشمن تو باشند، خداوند تو را از مزاحمت آن‌ها کفایت نموده و آن‌ها را ذلیل و خوار خواهد نمود.»

ام داوود می‌گوید: «دعای یاد شده را نوشتم و از محضر امام صادق علیه السلام خارج شدم، تا این‌که ماه رجب فرا رسید و به آن‌چه آن حضرت فرموده بود، عمل کردم. شبی، در اواخر شب حضرت محمد صلی الله علیه و آله و تمام فرشتگان و پیامبرانی را که در دعای گذشته بر آنان درود فرستادم، در خواب دیدم، در حالی که آن حضرت به من می‌فرمود: ای امّ داوود، به تو و همه‌ی برادرانت مژده باد، که همگی برای تو شفاعت خواهند کرد و تو را به برآوردن حاجت مژده می‌دهند و تو را بشارت

باد که خداوند متعال تو و فرزندت را حفظ نموده و آن را به تو باز می گرداند. از خواب بیدار شدم و فقط به اندازه‌ی فاصله‌ی عراق تا مدینه برای سواری که مرکبش را تند و با شتاب براند، گذشته بود که داوود به خانه بازگشت. از حال او پرسیدم. گفت: تا روز نیمه‌ی رجب، در بند و زنجیر و در بدترین زندان‌ها بودم. وقتی شب شد، در خواب دیدم که گویی زمین برای من درنوریده شد و دیدم که تو بر روی حصیر مخصوصی که بر روی آن نماز می‌گزاری، نشسته‌ای و مردانی در کنار تو نشسته‌اند که سرهایشان در آسمان و پاهایشان در زمین است و مشغول تسبیح خدا هستند. یکی از آنان که صورتی زیبا و لباسی پاکیزه و بویی خوش داشت و به گمان من، رسول خدا ﷺ بود، به من گفت: ای پسر پیرزن شایسته، تو را بشارت باد! که خداوند دعای مادرت را اجابت نمود. از خواب بیدار شدم و دیدم که پیک‌های منصور دم در ایستاده‌اند. در دل شب، مرا به حضور منصور بردند و او دستور داد که زنجیر از دست و پای من باز نموده و به من نیکی و احسان کنند و نیز دستور داد که ۱۰ هزار درهم به من بدهند و بر شتر راهوار سوار کرده و با سرعت و شتاب برانند، تا این که وارد مدینه شدم. ام داوود در ادامه می‌گوید: «داوود را به خدمت امام صادق (ع) بردم. فرمود: منصور، امیر مؤمنان (ع) را در خواب دید و ایشان به او فرمود: فرزندم را آزاد کن، وگرنه تو را در آتش جهنم می‌افکنم و او خود را در حالی دید که گویی زیر پاهایش آتش جهنم قرار دارد. از خواب بیدار شد و مجبور شد که تو را -ای داوود- آزاد کند.»

از این داستان برمی‌آید که اصل در این سه روز ایام البیض، روزه‌داری و عزلت نسبی است و معتکف شدن در مسجد در درجه‌ی دوم است. و لذا دوستان در این ایام سعی کنند کارشان را کمتر کنند و بیشتر به خود بپردازند، تا روز نیمه‌ی ماه رجب که شب آن از جمله افضل شب‌های سال است و روز نیمه‌ی رجب نیز مانند روز عرفة اختصاص به دعا و استغفار و تلاوت آیات الهی دارد.

مرحوم سید در اقبال روایتی را از حضرت آدم (ع) نقل می‌کند که به پروردگار عرضه داشت:

«يَا رَبِّ أَخْبِرْنِي بِأَحَبِّ الْأَيَّامِ إِلَيْكَ وَأَحَبِّ الْأَوْقَاتِ. فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَيْهِ: يَا آدَمُ، أَحَبُّ الْأَوْقَاتِ

إِلَى يَوْمِ التَّصْفِ مِنْ رَجَبٍ. يَا آدَمُ، تَقَرَّبْ إِلَيَّ يَوْمَ التَّصْفِ مِنْ رَجَبٍ بِقُرْبَانٍ وَضِيَاةٍ وَصِيَامٍ وَدُعَاءٍ وَاسْتِغْفَارٍ وَقَوْلٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.»

و در ادامه خداوند به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «در فرزندان پیامبری را قرار می دهم که حلیم و رحیم و کریم است...» و صفات دیگری را برمی شمرد و سپس درباره ی ماه رجب و فضیلت امت او می فرماید: «أَخْصُهُ وَأُمَّتُهُ بِيَوْمِ التَّصْفِ مِنْ رَجَبٍ لَا يَسْأَلُونِي فِيهِ شَيْئًا إِلَّا أَعْطَيْتُهُمْ وَلَا يَسْتَغْفِرُونِي إِلَّا عَفَرْتُ لَهُمْ وَلَا يَسْتَزِفُونِي إِلَّا رَزَقْتُهُمْ وَلَا يَسْتَقِيلُونِي إِلَّا أَقْلْتُهُمْ وَلَا يَسْتَزَحْمُونِي إِلَّا رَحِمْتُهُمْ يَا آدَمُ مَنْ أَصْبَحَ يَوْمَ التَّصْفِ مِنْ رَجَبٍ صَائِمًا ذَاكِرًا حَاشِعًا حَافِظًا لِفَرْجِهِ مُتَصَدِّقًا مِنْ مَالِهِ لَمْ يَكُنْ لَهُ جَزَاءٌ عِنْدِي إِلَّا الْجَنَّةُ يَا آدَمُ قُلْ لَوْلَيْكَ أَنْ يَحْفَظُوا أَنْفُسَهُمْ فِي رَجَبٍ فَإِنَّ الْخَطِيئَةَ فِيهِ عَظِيمَةٌ.»^۱

شب و روز مبعث

یکی از بزرگترین جلوه های الهی در ماه رجب، شب و روز مبعث است که مفتخر به بعثت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشد چنانکه در دعای روز مبعث می خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالنَّجْلِ الْأَعْظَمِ فِي هَذَا الْيَوْمِ مِنَ الشَّهْرِ الْمُعَظَّمِ وَالْمُرْسَلِ الْمُكْرَمِ» و همانطور که نگین ماه مبارک رمضان شب و روز قدر است از دعا های روز مبعث معلوم می شود که نگین ماه رجب نیز شب و روز مبعث است که می فرماید: «اللَّهُمَّ وَهَذَا رَجَبُ الْمُكْرَمِ الَّذِي أَكْرَمْتَنَا بِهِ أَوَّلَ أَشْهُرِ الْحُرُمِ أَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَأَسْأَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَّا غَيْرُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْآمِلِينَ فِيهِ لِسَفَاعَتِكَ» و معلوم می شود با بعثت رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نعمت الهی بر همه ی خلایق به طور کامل تجلی کرد و با توجه به آنکه از اهم اعمال آن شب زیارت امیر المؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام است. بنابراین عبارت تجلی اعظم و اسم اعظم الهی مقام نوری این دو بزرگوار است و لذا می باید با طی مدارج اوقات شریف در ایام ماه رجب مستعد درک حقیقت شب و روز

۱- إقبال الأعمال (ط - القديمة) ج ۲ ص ۶۵۷ فصل فیما نذکره من أسرار استقبال يوم النصف من رجب .

این وقت شریف شد و با توسل به این دو نور مقدس تقاضای معرفت به حقیقت ولایت را از خداوند طلب نمود چنانکه از دعا‌های ادامه ی عبارت فوق این نکات استفاده می شود «اللَّهُمَّ اهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلِّ ظَلِيلٍ وَمُلْكٍ جَزِيلٍ فَإِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»

خلاصه آنکه با بهره‌مندی از لحظات ماه رجب خودمان آماده‌ی ورود به ماه شعبان و رمضان نماییم و عمرمان را با نورانیت این سه ماه نورانی کنیم که مولی در نصیحت به نوف بکالی فرمود: «إِنَّهُ مَنْ لَمْ يَشْغَلْهُ الْوُلُوعُ بِذِكْرِكَ وَلَمْ يَزُوهُ السَّفَرُ بِقُرْبِكَ، كَانَتْ حَيَاتُهُ عَلَيْهِ مَيْتَةً وَمَيْتَتُهُ عَلَيْهِ حَسْرَةً.»^۱

سایر اعمال و دستورات ماه رجب

یکی از اسامی ماه رجب «اصب» است. «صب الماء» یعنی آب با شدت از بلندی بر چیزی فرود آید. از آن جاکه در ماه رجب رحمت الهی با شدت و وسعت بر امت اسلام نازل می‌شود، این ماه را اصب نامیدند، بنابراین باید از لحظه لحظه‌های آن استفاده کرد.

استغفاراتی که در آداب المریدین در بین الطلوعین، هنگام صبح و بعد از مغرب ذکر شده و در باب توبه توصیه شده است، در ماه رجب در بین الطلوعین و بعد از غروب آفتاب انجام دهید؛ این توصیه‌ی مرحوم استاد بود.

اذکار فراوانی برای روز و شب ماه رجب ذکر شده است. در مفاتیح الجنان هم آمده است که ده هزار مرتبه سوره‌ی توحید طی کل ماه رجب خوانده شود. البته اگر آن را به تمام روزهای ماه تقسیم کنید می‌شود روزی ۳۳۳ بار، نمی‌خواهم بگویم همه را انجام دهید، اما خوب است که با تسبیح تربت به هر تعداد که توانستید بگویید، ولی ترک نکنید.

۱- بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۱، ص: ۹۵

شب اول ماه رجب یکی از چهار شب سال است که احیای آن توصیه شده و روز اول آن نیز به روزه ممتاز است.

آخرین مطلبی که عرض می‌کنم آنست که مرحوم سید در اقبال موارد عدیده‌ای از داستان‌های عرب جاهلی و قبل از طلوع اسلام ذکر می‌کند که آن‌ها برای دعا و نفرین بر دشمنانشان به انتظار فرا رسیدن ماه رجب می‌نشستند و اغلب نتیجه می‌گرفتند. توصیه حقیر آن است که اصلی‌ترین دشمن همه‌ی ما شیطان است که در این ماه فراوان بر او لعنت بفرستید، و در مرحله‌ی بعد هم برای نابودی دشمنان داخلی و خارجی اسلام و انقلابمان و برای نابودی کفر و نفاق داخلی و خارجی بسیار دعا کنید.

ای بی‌خبر! بکوش که صاحب خبر شوی	تا راه‌بین نباشی، کی راهبر شوی؟
دست از میس وجود، چو مردانِ ره بشوی	تا کیمیای عشق بیابیی و زرشوی
خواب و خورت، ز مرتبه‌ی عشق دور کرد	آن دم رسی به دوست، که بی‌خواب و خور شوی
گر نور عشقی حق به دل و جانت اوفتد	بالله، کز آفتابِ فلک خوب تر شوی
از پای تا سرت، همه نور خدا شود	در راه ذوالجلال، چوبی پا و سر شوی